

گزارش سخنرانی آقای محسن میهن دوست در صد و دهمین جلسهٔ انسان‌شناسی و فرهنگ

گروه خراسان انسان‌شناسی و فرهنگ

صد و دهمین نشست یکشنبه‌های انسان‌شناسی و فرهنگ با عنوان «بررسی اجتماعی فرهنگ "کولی" در خراسان» در تاریخ دوم اسفند سال هزار و سیصد و نود برگزار شد. در این نشست آقای محسن میهن‌دوست (پژوهشگر و نویسندهٔ حوزهٔ فرهنگ و فولکلور خراسان) دربارهٔ «درنگ و برداشتی دربارهٔ "کولی"؛ گزاره‌ای از کولی‌های عرب‌خانه جنوب خراسان» و آقای موسی‌الرضا غربی (دانشجوی دکتری انسان‌شناسی دانشگاه تهران) دربارهٔ «برساخت اجتماعی هویت در محلهٔ گلستان شهر سبزوار: پژوهشی روایتی از چالش‌ها و چرخش‌های هویتی در یک جماعت غربت» سخنرانی کردند. در زیر گزارش سخنرانی آقای میهن دوست آمده‌است.

محسن میهن‌دوست در ابتدا با تأکید بر این نکته که تلاش دارد به دور از پیش‌داوری و تعصب به بحث از غربت‌ها بپردازد، اذعان کرد که بحث قابل توجه‌ای از آنچه بیان می‌دارد، حاصل مطالعات اسنادی اوست. البته او این داده‌های اسنادی را در کنار داده‌های حاصل از کارهای میدانی‌اش در خراسان در قالب تکنگرایی‌های که عمدتاً منتشر نشده‌اند، بیان داشت. میهن دوست ابتدا به ذکر برخورد خاطره آمیزی که میان او و غربت‌ها در کرمان اتفاق افتاده اشاره کرد. او از خلال بیان این خاطره که در حدود سه سال پیش برایش اتفاق افتاده، نشان داد که چگونه از شناختی که از غربت‌های خراسان داشته جهت تسهیل ارتباط با غربت‌ها در کرمان بهره برده است. او در ادامه در توصیف غربت‌ها چنین بیان می‌دارد: اگر بخواهیم مسائل کلی کولی‌ها، غربت‌ها، قرشمارها را بدانیم؛ قرشمار یعنی غیر شمار. قومی در به‌در، بسیار سازنده در فکر و فرهنگ موسیقی و رهایی و آزادی و فرای معمول آنچه که جنسیت زن مثل مرد است. از هند و مصر آمدند. در ادامه میهن دوست به استناد شاهنامه مطالبی را در باب غربت‌ها مطرح می‌سازد: بهرام گور پادشاه ساسانی به جهت تنگ‌دستان که از آهنگ و آواز بهره بیشتر ببرند، ده هزار کولی از هندوستان به ایران می‌آورد و گاو و الاغ و آذوقه برایشان فراهم می‌کند ولی پس از یک سال که می‌گذرد هر آنچه داده شده بوسیله کولیان حیف و میل می‌شود و به فقر و تنگ‌دستی در می‌افتد. بهرام گور از آنچه پیش آمده نارضایتی نشان می‌دهد و کولیان آواره دشت و بیابان می‌شوند.

محسن میهن دوست افزود: کولی‌ها از قومی بنام روما می‌باشند که از شمال هند به ایران آورده شده‌اند از آنجا به روسیه و از طریق ترکیه به اروپای شرقی و از آنجا به روسیه اروپای غربی، آفریقا و آمریکای

شمالی و جنوبی مهاجرت کرده‌اند. کولی‌ها هر جا که می‌رفتند، با رقص و فال‌بینی و پرورش اسب و آهنگری روزگار می‌گذراندند و در مجموع جمعیت پراکنده آن‌ها را ۱۲ میلیون تخمین می‌زنند یعنی کمتر از جمعیت یهودیان. در آثار تولستوی و داستایوفسکی دو چهره برجسته ادبیات و رمان به غربت‌ها اشاره شده است. میهن دوست با اشاره به گمان‌های موجود در باب منشأ غربت‌ها، با توجه به شواهد زبانی و فرهنگی نظری که منشأ ایشان را در هند می‌داند، معتبرتر قلمداد می‌کند. این پژوهشگر فرهنگ عامه خراسان در ادامه ضمن اشاره به کوچ پرشمار ایشان در عهد نادری، به دست‌اندازی و بازی با حیوانات که به عنوان نوعی سیرک شهری قابل درک است، به عنوان بخش قابل توجهی از مشغولات غربت‌ها اشاره می‌کند. این گرایش غربت‌ها به بازی‌های نمایشی موجب شده است، ایشان در نگه‌داشت و بعضاً انتقال برخی بازی‌ها و سنن نمایشی مردم ایران ایفا نقش نمایند.

در ادامه میهن‌دوست بحث خود را سوی مباحث زبانی غربت‌ها معطوف می‌دارد. او ابتدا به بحث مختصری در باب زبان‌های رمزی پرداخته، در این زمینه به نقل از مقاله‌ای از علی بلوکباشی چنین می‌گوید:

زبان ساختگی که یک یا دو یا چند گروه مردم در میان خود قرار می‌دهند تا هنگامی که می‌خواهند معنا و راز سخنان‌شان برای دیگران پوشیده بماند، از آن استفاده کرده، با آن گفتگو کنند. این زبان‌های رمزی در برخی جوامع جهان رواج دارد که خود نشان‌دهنده سه نکته است؛ اول مشخص کردن هویت گروه‌ها و تحکیم همبستگی آن و دوم پوشیده و پنهان نگاه داشتن راز و رمزهای شخصی، گروهی و احتمالاً دغل‌کاری‌هایشان از دیگران و بستن راه تفتیش بیگانگان و سوم برای تفریح و سرگرمی. اساس زبان‌های ساختگی که در برابر زبان‌های طبیعی به کار می‌روند بر زبان گفتاری مردم نهاد شده است. این زبان‌ها را کلاً صورت شکسته زبانی شکل غلط ادا شده زبان‌های طبیعی و برخی از آن‌ها را زبان ترکیبی، زبان پیوندی و یا زبان آمیخته دانسته‌اند.

ایوانف در مقاله لوتر کهن درویشی - کولی دست نوشته‌ای از مجموعه رساله‌های فلسفی و صوفیانه به نام کتاب ساسیان را که به معنی کتاب گدایان طفیلی گرفته است، معرفی می‌کند و تاریخ تألیف و تحریر آن را بنابر واژگان به رفته در متن دست‌نوشته، حدود ۳۵۰ سال پیش (یعنی پیش از ۱۹۲۲م، سال تألیف مقاله) و در قرون دهم هجری یا شانزدهم میلادی تخمین می‌زند. لیکن، بنابر شرح و توضیحات رساله که به پیش از اواخر قرن هفتم هجری می‌رسد، نسخه دست‌نویس را برگرفته و بازنویسی از

مجموعه‌ای قدیمی‌تر می‌پندارد. او دسته‌ای از واژه‌های زبان رمزی متن رساله را در مقاله‌اش طبقه‌بندی کرده و زیر این عناوین آورده است

(۱) واژه‌هایی که هنوز در میان کولی‌های ایران به کار می‌رود مانند: دخ(نیک، خوب)، دنه(زن)، کیاو(دزد)، لیمولو(شتر) .

(۲) واژه‌هایی با اصل عربی مانند: ابنا(مردمی خاص)، ابیک (پدر)، بطنا (شکم)، زیف(بد)، فما (دهان) و غیره این موارد، نمونه‌هایی از همین زبان‌های رمزی هستند.

(۳) واژه‌هایی با اصل فارسی که بعنوان استعماری به کار می‌روند مانند: زنبوری (عیزی)، ناز(غلام) و غیره

(۴) واژه‌هایی که از تبدیل هجاها ساخته شده‌اند، مانند: تبلل (تنبل)، کید(دیگ)، ماهون از هامون(شهر) و غیره. و چند بند دیگر از جمله واژه‌هایی که منشأ آن‌ها نامشخص است مانند: برکاله‌تر(دف یا نای جنگ)، برمیا (فتنه)، بژادار(حاجی)، داد(بینا)، کاکا(دندان) و غیره.

پطروشفسکی در شرح اوضاع اجتماعی و حقوقی در شهرهای قرون وسطایی در قلمرو خلافت اسلامی به ساسان، ساسیان و یا ساسانیان اشاره می‌کند و آنان را فقیران و ولگردان و گدایان می‌شناساند که رسته و صنفی تشکیل داده بودند، می‌نویسد: افراد این گروه که به همراه پهلوانان و پیشه‌وران در اصناف سازمان یافته بودند، به لهجه‌ای سخن می‌گفتند که از آن لهجه می‌توان با اصطلاح ژارگون لوتره یا زبان زرگری نام برد. قدیمی‌ترین تعریف از واژه لوتر را میرجمال‌الدین حسین انجوی شیرازی در فرهنگ جهانگیری در ۱۰۱۷ هجری قمری داده‌است. بنابراین تعریف لوترای زبانی است که دو کس در میان هم قرار دهند که چون با همین سخن گویند، دیگران آن را نفهمند. محمد حسین خلف تبریزی در برهان قاطع نقل می‌کند و می‌نویسد این کلمه به معنی لغز و چپستان هم آمده است. اصطلاح‌های دخ و زیف بنابر شواهد موجود، از واژه‌های کهن لوترایی هستند که از دیرباز در زبان‌های رمزی گروه‌های گوناگون لوترگو، از جمله کولی‌ها و درویشان ایران به کار می‌رفته‌اند. دخ به معنی خوب و نیک در لوتر درویشی به صورت فعل مرکب دخ کردن هم آمده است. زیف هم به معنای بد که احتمالاً از اصل عربی است، در این لوتر به کار رفته است.

در ادامه محسن میهن‌دوست تلاش دارد، براساس مقاله بلوکباشی به بحث زبان رمزی یا لوتری در نزد غربت‌ها بپردازد: کولیان که در سراسر ایران پراکنده و در همه جا با نام خاصی شناخته شده‌اند به جز

زبان محلی مردم یعنی زبان میانجی میان خود و مردم محل، زبان رمزی خاصی هم دارند که در میان خود با آن گفت‌وگو می‌کنند. لوتر کولی ساختمانی ترکیبی دارد و چند بخش شکل یافته‌است:

الف) واژه‌هایی با اصل و ساختار هندی که بازمانده زبان اصلی کولیان است. اگر اصل و ریشه زبان کولیان را هندی بینگاریم.

ب) بخش بزرگی از ساختمان بزرگ لوتر کولی مبتنی بر دستور و واژگان زبان مردمی است که کولی‌ها در میان آن‌ها زندگی می‌کنند، مانند زبان فارسی، ترکی، کردی و جزآن مثلاً در خراسان بزرگ.

در ادامه میهن دوست به شرح و بیان مشاهدات و مطالعات میدانی خود در یکی از نقاط مشهد که برخی تجمعات غربت‌ها در آن وجود دارد، با عنوان قلعه خیابان پرداخت. او قلعه خیابان را یکی از مکان‌های خاص غربت‌ها در ایران و حتی جهان قلمداد کرد و گفت:

خود می‌گویند از تیره غربتی‌های کاخک گناباد هستند. خانواری چند بیرون از قلعه چون استاد یحیی کار خراطی را با تصاحب قطعه زمینی شروع کرده‌اند. مردی دوزنه‌است. (بیشتر اهالی قلعه خیابان دو زنه هستند). او اکنون در رفاه و دارای ساختمانی است که او و فرزندانش در آن زندگی می‌کنند. آن‌ها دست از کار کشیدند. مغازه خود را به شغل‌هایی واگذاشتند. به هیچ پرسشی درباره غربتی‌ها پاسخی نمی‌دهند. بیرون از قلعه خیابان هم زندگی می‌کند. اهالی قلعه خیابان که هم اکنون در حدود ۶۱۰۰ تخمین زده شده‌اند این در حالی است که طبق سرشماری ۱۳۸۵ ۸۵۰۰۰ نفر جمعیت ایشان بوده است. پر بچه و سازگار با روز دیده می‌شدند اما اعتیادش در بین جوانانش در چند سال اخیر بسیار نگران کننده است. برخی در همان اطراف دارای مغازه‌اند و روحیه ویژه‌ای در گفتگو و رفاقت نشان می‌دهند که در آن پایه‌ای از اعتمادی به غیرخودی هم حس می‌شود. کولی‌ها این قوم در به در در اکثر مناطق دنیا حتی روسیه که خیلی بهشان رسیدند. به سربازی نمی‌روند و اگر بروند بیشترشان فرار را برقرار ترجیح می‌دهند. ستیزه‌گر، دعوagr، چاقو زن و داش منش هستند. کاسب، خلافکار و عربده‌کش و چاقو زن نیز هستند، ورزشکار و کشتی‌گیر بسیار در میان آنها دیده می‌شود. اما برخی از آنان ثروتمند شده‌اند ملک و املاک و اتومبیل‌های خوب هم برخی از آن‌ها دارند. اکنون زن‌هایشان از آزادی کولی‌وار پرهیز نشان می‌دهند. اما هنوز مرتبه خراطی و آهنگری و بساط جمعه بازار خود کج‌دار و مریز دنبال می‌کنند. در میانشان کبوتر باز بسیار دیده می‌شود. خرید و فروش کبوتر دارند این کبوتر بازی یک نشانه از این قومی دارد که ارتباط نوعی تمنای آزاده خواهی پرواز به دور از تحقیر دیگران نشان

می‌دهد. کبوترها مورد توجه و علاقه از جمله پلنگ، ابلق، سارا، سرور، ماهی، ترنج. ازدواج با یک غیرخودی و همسایگی و همسایگان غیرکولی وجود ندارد. جهاز نمی‌دهند و نمی‌گیرند و به جهت به دنیا آوردن بچه است (زن که زاید و بچه آورد جهاز می‌دهند). ازدواج آنها فقط بین ۱۵-۱۶ سالگی است. نکته آنکه زنان به نسبت از آزادی جنسی بهره بیشتری دارند، وجه اقتصاد گاه جهت دار این نکته است. به تازگی با بیرون از خود ازدواج هم دیده می‌شود. به کارورزان استاد کار، که سخت مورد احترام و گاه مشورت است. تنی از اینان را از نزدیک می‌شناسم که پُر بچه و زیرک دیده می‌شود

در ادامه محسن مهین دوست با توسل به مطالعات میدانی خود به بحث غربت‌های در تربت حیدریه می‌پردازد. در این زمینه ابتدا به ساختار خویشاوندی ایشان اشاره داشته، مردان غربت را عمدتاً چندزن می‌داند. او در ارتباط با کار زنان غربت چنین گفت:

دست فروشی قیچی، فرفرک، گیاه کلپوره و حجامت بوسیله زنان انجام می‌گیرد. پرورش و فروش چهارپایان، صنعت‌گری، زنجیر، میخ طویله ساخت قفل مخصوص ابزار چوبی کشاورزی از دیگر کارهای زنان است. نعل کردن چهارپایان، شکار کبک به عهده زنان است. ساخت سازه‌های زهی چون دو تار که از چوب درخت توت است.

مهین دوست ضمن اشاره با اسکان داده شدن این ایشان در جای که امروز با عنوان تپه غربتی‌ها شناخته می‌شود، برنامه سکونت ایشان را ناموفق ارزیابی می‌کند. او در ادامه در ارتباط با غربت‌های تربت حیدریه چنین می‌گوید: غربتی‌های تربت حیدریه در همه جای شهر و جایگاه‌های منتسب به امامزادگان در جشن و سوگ دیده می‌شوند. ایشان در کنار وسایل که برای فروش بساط کرده‌اند، فال و کف بینی هم می‌کنند. استاد برجسته دوتار ایران " ذوالفقار عسگریان‌پور " که اصل او از غربتی‌های تربت جام بود، در تربت حیدریه زندگی می‌کرد.

در ادامه سخنران به صورت فشرده به غربت‌های قوچان اشاره می‌کند. او با اشاره به اینکه آنچه در باره اینان بیان می‌دارد، حاصل مطالعات اسنادی و میدانی‌اش است، چنین می‌گوید:

کولی‌های قوچان در انتهای بازار سبزوار سکونت داشتند. این غربت‌ها وجه پایین شهری و فرودست پیدا می‌کنند. همچنین رفت و آمد با این تیره برای مردم شهر کسر شان تلقی می‌شد. وصلت با آن‌ها را نه تنها کسرشان بلکه دوست نمی‌داشتند. شغل یا درآمد برای آنها همان ساخت ابزار و آلات آهنی خراطی

و فالگیری بود. زنان کولی برخلاف زنان قوچان که همیشه در خانه و در خیابان در چادر بودند، آزاد با همان سبک و سیاق کولی‌وش خود کار می‌کردند.

آقای میهن‌دوست ضمن مطالعه متن پیاده شده فوق و تأیید آن، سطور زیر را به آن افزوده‌اند.

"افزوده شود با چشم پوشی از بسیاری نکته‌های دیگر

در تربت جام(ژام) گفته می‌شود نه طایفه زندگی می‌کنند: طایفه مقری‌ها، طایفه غول‌خانه، طایفه دوربین‌ها، طایفه خواجه‌ها، طایفه ضربی‌ها ، طایفه کاسب‌ها (جت ، قرشمال ، کولی)، طایفه ترک‌ها ، طایفه هراتی‌ها ، طایفه ماه رخی‌ها (برگرفته از کتاب چاپ نشده {میهن دوست} ۱۳۵۰/۷/۱۲)

در گویش روزمره به کولی‌های تربت جام ، جد یا جت گفته می‌شود. در حسینیّه مزار جا یافته دیده می‌شوند و حرفه شان رویگری، سلمانی و مطربی است. جت‌ها در محرم به رویگری می‌پردازند، و دور از محرم به ((مطربی))، تا به آنجا که در هر بزم یا شادی زایی دیده می‌شوند.

نکته: در فردوس (تون) روز عید قربان اگر زنی فرزند به دنیا آورد، یکی از میلک‌های گوسفند را سوراخ می‌کنند و بر کتف نوزاد می‌آویزند. به بیانی دیگر ، دست نوزاد را از سوراخ همان استخوان به آنسوی می‌برند. باورمندند: این کودک در آینده کف بین خواهد شد. (برگرفته از کتاب - از پشت بام تون (دست نوشته و پژوهش میدانی میهن دوست، صفحه ۱۲۶ و ۱۲۷)).

در نیشابور و سبزوار به کولی‌ها «غربتی = قرشمال = غیرشمار» می‌گویند.

نکته: در چنشت بیرجند (منطقه عربخانه) مردمی زندگی می‌کنند که آداب و رسوم ویژه به خود را دارند. گویند نسب به کولیان (جت) می‌برند. نیز در زمان نادر شاه افشار از خوزستان به این منطقه کوچ داده شده‌اند. این بخش کم باران و خشک، و آب آن شور است. (پژوهش میدانی در سال ۱۳۵۰)"